

The Relationship Between Thinking Styles and Problem Solving Styles With Codependency in Spouses of Patients With Drug Abuse

Mehdipour F^{1,*}, Tajeri B²

Author Address

1. MA of Islamic Azad University Bouin Zahra, Qazvin, Iran;

2. Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Alborz, Iran.

*Corresponding Author E-mail: Btajeri@yahoo.com

Received: 2019 December 30; Accepted: 2020 May 30

Abstract

Background & Objectives: Addiction is the most widespread and recognized health concern and risk in Iran. As a chronic and recurrent disorder, in addition to profound social, psychological, physical, and economic impacts on the consumer, addiction imposes significant psychological pressure on family members and society. The drug dependency of the family head is very harmful and destructive and has many adverse effects on all the family members and, most notably, the addicted wife. In such cases, some codependency in the woman causes them to exhibit a pattern of exaggerated and excessive behavior strongly influenced by the addicted spouse. This dependence continues until the individual loses his or her identity. Problem-solving styles and thinking styles can be effective in measuring facts and benefiting from capabilities, and dealing with negative emotions. So, this research aimed to investigate the relationship between thinking styles and problem-solving styles with the codependency of spouses of patients with addiction.

Methods: The method of this study was descriptive correlational. The statistical population was all spouses of substance abusers referred to addiction treatment centers in Tehran City, Iran, in 2018. Of them, 42 people were selected by convenience sampling. The inclusion criteria were as follows: living in Tehran, aged 18 to 35 years, and consent to participate in research. The exclusion criterion was the incomplete filling of the questionnaires. The study data were gathered via the Thinking Styles Scale (Sternberg & Wagner, 1992), Problem-Solving Styles Scale (Heppner & Petersen, 1982), and Codependency Scale (Spann & Fischer, 1990). After collecting the data, SPSS version 21 software was used to analyze them. At the level of descriptive statistics, mean and standard deviation, and at the level of inferential statistics, stepwise regression analysis was used. The significance level of the tests was considered 0.05.

Results: The results showed that the components of thinking styles, including libertarianism, conservatism, anarchism, collectivism, holistic, executive, judicial, detail-oriented, internal, legislation, monocracy, and hierarchy, had multiple correlations with codependency ($p < 0.001$) and these 12 components together explained 49.6% of the codependency variance. Also, the components of problem-solving styles, including confidence in solving problems, tendency-avoidance style, and personal control, had multiple correlations with codependency ($p < 0.001$), and these 3 components together explained 63% of the variance of codependency.

Conclusion: Based on the research findings, thinking and problem-solving styles can significantly reduce the attitude of codependent people about drugs and act as a shield and provide the right solution by thinking and making the right decision when faced with stressful factors and irrational requests of others.

Keywords: Thinking styles, Problem-solving styles, Codependency.

رابطه سبک‌های تفکر و سبک‌های حل مسئله با هم‌وابستگی همسران مبتلا به سوء مصرف مواد

فاطمه مهدی‌پور^۱، * بیوک تاجری^۲

توضیحات نویسندگان

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی بوبین زهرا، قزوین، ایران؛
۲. گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران.

* رایانامه نویسنده مسئول: Btajeri@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹ دی ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۰ خرداد ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: از معضلات سوء مصرف مواد به عنوان یکی از چهار بحران جهانی، هم‌وابستگی است که در نهایت موجب سوق شخص دارای هم‌وابستگی به اعتیاد می‌شود. هدف پژوهش، بررسی رابطه سبک‌های تفکر و سبک‌های حل مسئله با هم‌وابستگی همسران مبتلا به سوء مصرف مواد بود.

روش بررسی: روش این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری را تمامی همسران افراد دارای سوء مصرف مواد مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر تهران در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند. با نمونه‌گیری به شیوه در دسترس ۴۲ نفر انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، مقیاس سبک‌های تفکر (استرنبرگ و واگنر، ۱۹۹۲)، مقیاس سبک‌های حل مسئله (هینر و پترسن، ۱۹۸۲) و مقیاس هم‌وابستگی (اسپن و فیشر، ۱۹۹۰) به کار رفت. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ در سطح معناداری ۰/۰۵ صورت گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، مؤلفه‌های سبک‌های تفکر شامل آزادمنشی، محافظه‌کاری، هرج و مرج سالاری، گروه‌سالاری، کلی‌نگر، اجرایی، قضایی، جزئی‌نگر، درونی، قانون‌گذاری، تک‌سالاری و مرتبه‌سالاری با هم‌وابستگی دارای همبستگی چندگانه بودند ($p < ۰/۰۰۱$) و این دوازده مؤلفه با هم ۴۹/۶ درصد از واریانس هم‌وابستگی را تبیین کردند. همچنین مؤلفه‌های سبک‌های حل مسئله شامل اعتماد به حل مسائل، سبک گرایش-اجتناب و کنترل شخصی با هم‌وابستگی دارای همبستگی چندگانه بودند ($p < ۰/۰۰۱$) و این سه مؤلفه با هم ۶۳ درصد از واریانس هم‌وابستگی را تبیین کردند.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش، سبک‌های تفکر و حل مسئله می‌توانند نگرش افراد دارای هم‌وابستگی را درباره مواد مخدر به میزان درخور توجهی تغییر (کاهش) دهند تا با تفکر و تصمیم‌گیری درست در هنگام مواجهه با عوامل استرس‌زا و درخواست‌های غیرمنطقی دیگران به عنوان سپری عمل کنند و راه‌حل مناسب را بیابند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های تفکر، سبک‌های حل مسئله، هم‌وابستگی.

سوء مصرف مواد از اختلالات شایع تر در سراسر جهان است که سهم درخور توجهی در بار جهانی بیماری دارد (۱). این اختلال که با جرم، خشونت بین فردی، رفتارهای پرخطر جنسی، افزایش خطر ابتلا به HIV^۱ و بروز صدمات مغزی همراه است (۲)، نه تنها بر مصرف کننده بلکه بر بستگان نزدیک او نیز تأثیر می گذارد و منجر به هم وابستگی در آن ها می شود؛ یعنی حتی اگر آن ها اختلال مصرف را به صورت عینی مشاهده نکنند، با استفاده از مواد سازگار می شوند (۳).

هم وابستگی^۲ اصطلاحی است که از دهه ۱۹۴۰ در زمینه درمان گروه های مراجعه کننده برای ترک اعتیاد به مواد مخدر و الکل استفاده می شود و طیف وسیعی از ویژگی های روان شناختی را در بین افرادی که تحت تأثیر سوء مصرف مواد و الکل در نزدیکان خود هستند، در بر می گیرد؛ همچنین اختلال عملکرد شخصی توصیف می شود (۴). در واقع هم وابستگی بستر مناسبی را برای سوء مصرف مواد ایجاد می کند و نشان می دهد، خانواده های مصرف کنندگان مواد به قیمت قربانی کردن رفاه، آسایش و ارزش های فردی به صورت آشکار یا پنهان به همکاری در تشریفات فرد مصرف کننده مواد روی می آورند و موجب تسهیل این رفتارها می شوند (۵). متأسفانه وقتی هم وابستگی و اعتیاد در کنار هم اتفاق می افتند، این دو رفتار یکدیگر را تقویت می کنند و هم وابستگی حتی می تواند یکی از عوامل مقاومت در برابر ترک اعتیاد و بهبود فرد بیمار در نظر گرفته شود (۲). آنتیناس و توتارل-کیسلاک در پژوهش خود دریافتند، هم وابستگی در زنان دارای همسران معتاد موجب می شود که از نظر زناشویی کمتر سازگار باشند، مسئولیت های زوجین دچار خدشه شود، درگیری های درون خانواده افزایش پیدا کند و معضلات و مشکلات زوجین حل نشده باقی بماند؛ همچنین درمقایسه با زنانی که همسران غیرمعتاد دارند، دارای افسردگی و استرس و اضطراب بیشتری باشند و تمام این موضوعات نارضایتی زناشویی را به دنبال دارد (۶).

در این بین از میان متغیرهای مختلف مرتبط با اعتیاد و هم وابستگی، می توان به سبک های تفکر و حل مسئله اشاره کرد. قرارگرفتن در موقعیت های خاص که فرد را به سمت مصرف مواد مخدر سوق می دهد، می تواند یک روش خاص تفکر را ایجاد کند که مختص زندگی در این شرایط باشد؛ افراد معتاد غالباً دارای سبک های مختلف تفکر جنایی گنج کننده هستند. سبک های تفکر به خودی خود توانایی محسوب نمی شود؛ بلکه به چگونگی استفاده از توانایی ها اشاره دارد (۷). نکته شایان ذکر درباره سبک های تفکر، ارتباط آن ها با حل مسائل و مشکلات است که از طریق چهار مرحله درک مشکل یا مسئله، طراحی یک نقشه، اجرای نقشه و نگاه به گذشته است؛ یعنی فرد ابتدا با بررسی مشکل، آن را درک می کند. سپس با طرح برنامه یا نقشه ای و با نگاه به گذشته و

بررسی مجدد، درنهایت آن مشکل را حل می کند. توانایی تفکر از بدو تولد پرورش می یابد که با بهبود و توسعه آن می توان به افراد آموخت برای رویارویی با موانع به راحتی تسلیم نشوند و با امیدواری به حل مشکلات بپردازند (۸). درجهت تکمیل توضیحات مذکور لازم به ذکر است، سبک های حل مسئله نیز شامل روش هایی می شود که فرد برای مهار و نظم جویی هیجان ها و افکار به کار می برد و از طریق آن ها رفتار و فعالیت های خود را در محیط های اجتماعی و غیراجتماعی هدایت می کند (۹). درواقع شامل درک و داوری بین ترجیحات است و باتوجه به نوع شخصیت، یکی از دو عملکرد شناختی (سنجش یا شهود) و یکی از دو عملکرد قضاوت (تفکر یا احساس) آن قدر اهمیت دارد که افراد از آن ها در فرایند حل مسئله استفاده می کنند و تصمیم می گیرند (۱۰). به عبارتی استراتژی کلی وجود دارد که مشکلات را تجزیه و تحلیل و به قسمت های کوچک تر تقسیم می کند و هرکدام منجر به نزدیک شدن به راه حل می شود (۱۱).

پژوهش ها نشان می دهد، سبک های حل مسئله و سبک های تفکر می توانند در سنجش حقایق و بهره مندی از توانمندی ها و مقابله با احساسات منفی مؤثر باشند؛ به طوری که شریفی و جوانمرد در پژوهش خود دریافتند، سبک های حل مسئله در افراد دارای اعتیاد درمقایسه با افراد سالم کمتر است و آن ها در چالش های زندگی روزمره از راهبردهای مقابله ناکارآمد استفاده می کنند و در رفع مشکلات زندگی ناتوان هستند (۱۰). متین نژاد و همکاران نشان دادند، سبک های تفکر و سبک های حل مسئله در افراد معتاد درمقایسه با افراد سالم در سطح ضعیف تری قرار دارد و افزایش این مهارت ها می تواند در پیشگیری از اعتیاد مؤثر باشد (۱۲). بست و همکاران دریافتند، ارتباط معناداری بین سبک تفکر با رفتارهای مجرمانه و اعتیاد به مواد مخدر وجود دارد که با اصلاح در سبک تفکر افراد می توان اعتیاد به مواد مخدر را کاهش داد (۱۳). وال و همکاران مشخص کردند، افراد دارای رفتارهای وسواس گونه و اعتیاد آمیز به استفاده از مواد شوینده، دارای نشخوار فکری، افسردگی، اضطراب، چک کردن دقیق و شست و شو هستند و دائماً خود را سرزنش می کنند؛ ازاین رو تقویت سبک های تفکر می تواند به عنوان مکانیزم مقابله ای قوی در برابر رفتارهای وسواسی و اعتیاد به شست و شو عمل کند و شخص بهبود یابد (۱۴). مهران و همکاران دریافتند، آموزش نظریه شناختی و راه حل محور بر کاهش هم وابستگی همسران معتادان تأثیر بسزایی دارد (۱۵).

اعتیاد به مصرف مواد، از خطرهای بسیار نگران کننده بهداشتی در ایران محسوب می شود که بر همه اعضای خانواده تأثیر می گذارد و آن ها را به شکل های مختلف درگیر و دچار هم وابستگی می کند. در این میان همسران معتادان به عنوان اولین مراقبان آن ها درمقایسه با سایر اعضای خانواده، بیشتر در معرض خطر قرار دارند. این افراد معمولاً دارای نقصان در حل مسئله هستند، مشکلات را تهدیدی برای خود می دانند و در برابر حل مسائل،

^۲. Codependency

^۱. Human immunodeficiency virus

رویکردی تکانشی پیدا می‌کنند، احساس خستگی یا کمبود نشاط دارند و خود را در درک خواسته‌های زندگی روزمره ناتوان می‌دانند؛ حتی ممکن است افکار خودکشی در سر بیروارند یا اقدام به خودکشی کنند (۱۶). در مطالعات گذشته، مسئله مهم، درمان فرد مصرف‌کننده بود و خانواده در پس‌زمینه قرار داشت؛ حال آنکه باید درمان مشترک فرد مصرف‌کننده و خانواده وی بررسی شود. ضرورت دیگر بررسی موضوع، توجه به تأثیرات منفی هم‌وابستگی است که با چندین علامت اختلالات روان‌پزشکی همچون افسردگی، عزت‌نفس ضعیف، احساس ضعف در ازدواج، کم‌ارزش بودن، تمرکز بر دیگری و غفلت از خود همراه است و به‌طور غیرمستقیم بر سازگاری زناشویی و عملکرد خانواده تأثیر می‌گذارد و همه افراد خانواده را درگیر اثرات مخرب اعتیاد می‌کند؛ بنابراین نیاز است این افراد با راهبردهای مؤثر، مسئولیت بپذیرند و با غم و اندوه و رفتارهای کژکارانه خود مقابله کرده و احساس توانمندی را در خود تقویت کنند. درنهایت به دلیل اهمیت بسیار زیاد متغیرهای مذکور و وجودنداشتن پژوهشی مشابه و هم‌راستا با تحقیق حاضر، به بررسی ارتباط بین سبک‌های تفکر و سبک‌های حل مسئله با هم‌وابستگی در همسران افراد مبتلا به سوءمصرف مواد در شهر تهران پرداخته شد.

۲ روش‌بررسی

روش این تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری را تمامی همسران افراد دارای سوءمصرف مواد مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر تهران در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند. با نمونه‌گیری به شیوه در دسترس ۴۲ نفر انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده از جداول مربوط به مقادیر بحرانی ضرایب همبستگی پیرسون (۱۷) و نیز باتوجه به میزان همبستگی تقریبی ۳۰ درصد در مقالات پیشین در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۱۵) ۴۲ نفر به دست آمد. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به مطالعه عبارت بود از: سکونت در تهران؛ محدوده سنی ۱۸ تا ۳۵ سال؛ رضایت برای شرکت در پژوهش. ملاک خروج شرکت‌کنندگان از پژوهش، تکمیل نکردن پرسش‌نامه‌ها بود. لازم به ذکر است که ملاحظات اخلاقی از جمله رضایت آگاهانه، حفظ گمنامی، محرمانه بودن اطلاعات شرکت‌کنندگان و داشتن صداقت در هنگام تحلیل داده‌ها و تحریف نکردن آن‌ها رعایت شد.

برای گردآوری داده‌ها ابزارهای زیر به کار رفت.

– مقیاس سبک‌های تفکر^۱: این مقیاس در سال ۱۹۹۲ توسط استرنبرگ و واگنر طراحی شد (۱۸). این مقیاس ۱۰۴ پرسش و سیزده خرده‌مقیاس دارد که عبارت است از: قانون‌گذاری؛ قضایی؛ اجرایی؛ کلی‌نگر؛ جزئی‌نگر؛ آزادمنشی؛ محافظه‌کاری؛ مرتبه‌سالاری؛ گروه‌سالاری؛ تک‌سالاری؛ هرج‌ومرج‌سالاری؛ درونی؛ بیرونی. هر خرده‌مقیاس هشت سؤال دارد که مربوط به

نوعی سبک تفکر است. حداقل امتیاز هر فرد ۱۰۴ و حداکثر امتیاز ۷۲۸ است. شیوه نمره‌گذاری براساس طیف لیکرت هفت‌گزینه‌ای (۱=اصلاً درست نیست، ۲=خیلی درست نیست، ۳=اندکی درست است، ۴=تاحدودی درست است، ۵=درست است، ۶=خیلی درست است، ۷=کاملاً درست است) است (۱۸). در پژوهش استرنبرگ و واگنر ضریب آلفای کرونباخ مقیاس، ۰/۸۰ به دست آمد (۱۸). در ایران در پژوهش متین‌نژاد و همکاران، مقدار ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس، ۰/۹۲ بود (۱۲).

– مقیاس سبک‌های حل مسئله^۲: این مقیاس توسط هینر و پترسن در سال ۱۹۸۲ برای سنجش چگونگی واکنش افراد به مسائل روزانه‌شان طراحی شد (۱۹). این مقیاس ۳۵ ماده و سه زیرمقیاس اعتماد به حل مسائل، سبک‌گرایی – اجتناب و کنترل شخصی دارد. شیوه نمره‌گذاری این ابزار براساس طیف لیکرت شش‌درجه‌ای (۱=کاملاً موافقم الی ۶=کاملاً مخالفم) است. نمرات کمتر سطح بیشتر از توانایی حل مسئله را نشان می‌دهد. برای پیشگیری از سوءگیری در پاسخ‌دهی، پانزده عبارت با بیان منفی آورده شده است که به شکل معکوس نمره‌گذاری می‌شود (۱۹). در پژوهش هینر و پترسن مقدار ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۹ گزارش شد (۱۹). در ایران در پژوهش قلش و همکاران مقدار ضریب آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۸۶ به دست آمد (۲۰).

– مقیاس هم‌وابستگی^۳: این مقیاس توسط اسپن و فیشر در سال ۱۹۹۰ طراحی شد (۲۱). این ابزار مقیاسی خودگزارش‌دهی است که شانزده سؤال دارد. هر سؤال آن با کمک مقیاس لیکرت به صورت کاملاً مخالف، تقریباً مخالف، تاحدی مخالف، تاحدی موافق، تقریباً موافق و کاملاً موافق از ۱ تا ۶ نمره می‌گیرد. کمترین میزان نمره ۱۶ و بیشترین آن ۹۶ است. سؤال‌های ۵ و ۷ دارای نمره‌گذاری معکوس است (۲۱). در پژوهش فیشر و اسپن، مقدار ضریب اعتبار این ابزار ۰/۷۷ به دست آمد (۲۲). در ایران در پژوهش خسروی و همکاران، ضریب اعتبار این ابزار، ۰/۷۶ بود (۲۳).

پس از جمع‌آوری داده‌ها، به منظور تحلیل آن‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد. در سطح آمار توصیفی، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی، تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام به کار رفت. لازم به ذکر است قبل از انجام آزمون مذکور، پیش‌فرض‌های این آزمون توسط آزمون‌های کولموگوروف اسمیرنف، عامل تورم واریانس و تحمل^۴ بررسی و نتایج ارائه شد. سطح معناداری آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

۳ یافته‌ها

در جدول ۱، آماره‌های مربوط به متغیرها شامل میانگین و انحراف

۴. Variance inflation factor (VIF)

۵. Tolerance

۱. Thinking Styles Scale

۲. Problem-Solving Styles Scale

۳. Codependency Scale

جدول ۱. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف معیار
سبک های تفکر	قانون گذاری	۲۳/۴	۳/۷۱
	قضایی	۲۰/۷	۳/۵۰
	اجرایی	۱۹/۲	۲/۳۸
	کلی نگر	۱۷/۶	۲/۲۲
	جزئی نگر	۱۸/۸	۲/۲۱
	آزادمنشی	۱۸/۲	۱/۸۵
	محافظه کاری	۱۷/۱	۳/۰۵
	مرتبه سالاری	۲۰/۰	۲/۱۷
	گروه سالاری	۱۷/۸	۱/۹۳
	تک سالاری	۱۸/۲	۲/۱۱
	هرج و مرج سالاری	۱۸/۲	۲/۰۸
	درونی	۱۹/۴	۳/۵۶
	بیرونی	۱۷/۸	۲/۷۵
سبک های حل مسئله	سبک های تفکر (کل)	۲۴۶/۷	۱۰/۲۱
	اعتماد به حل مسائل	۴۵/۸	۸/۰۰
	سبک گرایش - اجتناب	۶۲/۴	۸/۵۳
	کنترل شخصی	۱۸/۳	۵/۰۰
هم وابستگی	سبک های حل مسئله (کل)	۱۲۶/۵	۱۷/۳۴
		۵۲/۸	۱۶/۱۲

عامل تورم واریانس و تحمل به منظور بررسی فرض هم خطی متغیرهای مطالعه شده به کار رفت که نتیجه نشان دهنده وجود نداشتن هم خطی بود؛ بنابراین تحلیل رگرسیون گام به گام مانعی نداشت. به منظور بررسی مقدار تبیین متغیر هم وابستگی در همسران مردان دارای سوء مصرف مواد، براساس مؤلفه های سبک های تفکر و حل مسئله از رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است.

براساس جدول ۱، همسران افراد دارای سوء مصرف مواد، در سبک های تفکر (مؤلفه قانون گذاری) و سبک های حل مسئله (مؤلفه سبک گرایش - اجتناب) بیشترین میانگین را به دست آوردند. قبل از اجرای آزمون آماری تحلیل رگرسیون گام به گام، به منظور بررسی نرمال بودن توزیع نمرات در متغیرهای پژوهش، آزمون کولموگوروف اسمیرنف به کار رفت. نتیجه این آزمون معنادار نشد ($p > 0.05$)؛ از این رو فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیرهای پژوهش برقرار بود. آزمون های

جدول ۲. خلاصه نتایج مدل رگرسیون چندگانه گام به گام متغیر ملاک هم وابستگی با مؤلفه های متغیرهای سبک های تفکر و سبک های حل مسئله

متغیر	مؤلفه های وارد شده	ضریب همبستگی	مقدار p	ضریب تعیین
سبک های تفکر	آزادمنشی، محافظه کاری، هرج و مرج سالاری، گروه سالاری، کلی نگر، اجرایی، قضایی، جزئی نگر، درونی، قانون گذاری، تک سالاری، مرتبه سالاری	۰/۷۱۵	< 0.001	۰/۴۹۶
	اعتماد به حل مسائل، سبک گرایش - اجتناب، کنترل شخصی	۰/۷۹۶	< 0.001	۰/۶۳۰

در جدول ۲ ضریب همبستگی چندگانه، میزان ارتباط بین مؤلفه های پیش بین را با متغیر ملاک نشان می دهد. ضریب تعیین نیز مقدار واریانس از متغیر ملاک است که توسط مؤلفه های پیش بین تبیین می شود. باتوجه به این توضیحات، براساس نتایج، در مجموع طی دوازده گام، مؤلفه های آزادمنشی، محافظه کاری، هرج و مرج سالاری، گروه سالاری، کلی نگر، اجرایی، قضایی، جزئی نگر، درونی، قانون گذاری، تک سالاری و مرتبه سالاری با هم وابستگی دارای همبستگی چندگانه بودند. براساس ترتیب اهمیت متغیرها در تحلیل رگرسیون گام به گام، در اولین گام مؤلفه اعتماد به حل مسائل و در گام سوم مؤلفه کنترل شخصی افزوده شدند. در نهایت

در جدول ۲ ضریب همبستگی چندگانه، میزان ارتباط بین مؤلفه های پیش بین را با متغیر ملاک نشان می دهد. ضریب تعیین نیز مقدار واریانس از متغیر ملاک است که توسط مؤلفه های پیش بین تبیین می شود. باتوجه به این توضیحات، براساس نتایج، در مجموع طی دوازده گام، مؤلفه های آزادمنشی، محافظه کاری، هرج و مرج سالاری، گروه سالاری، کلی نگر، اجرایی، قضایی، جزئی نگر، درونی، قانون گذاری، تک سالاری و مرتبه سالاری با هم وابستگی دارای همبستگی چندگانه بودند. براساس ترتیب اهمیت مؤلفه ها در تحلیل رگرسیون گام به گام، در اولین گام سبک آزادمنشی و در گام دوازدهم

در گام آخر با افزودن مؤلفه کنترل شخصی، ضریب همبستگی از واریانس هموابستگی را تبیین کردند. چندانکه به ۰/۷۹۶ رسید ($p < ۰/۰۰۱$) و این سه مؤلفه باهم ۶۳ درصد

جدول ۳. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی

ضرایب استاندارد نشده			ضرایب استاندارد نشده		
مقدار p	t	β	خطای معیار	B	
<۰/۰۰۱	-۵/۴۷	-	۱۰/۵۹	-۵۸/۰۲	مقدار ثابت
<۰/۰۰۱	۱۱/۸۳	۰/۶۲	۰/۲۴	۲/۸۹	آزادمنشی
<۰/۰۰۱	-۱۱/۲۵	-۰/۶۱	۰/۱۵	-۱/۷۲	محافظه‌کاری
<۰/۰۰۱	۷/۸۲	۰/۴۷	۰/۲۱	۱/۷۱	هرج و مرج سالاری
<۰/۰۰۱	۵/۸۰	۰/۳۰	۰/۲۲	۱/۳۳	گروه سالاری
۰/۰۵	-۵/۱۲	-۰/۳۶	۰/۲۷	-۱/۴۰	کلی‌نگر
<۰/۰۰۱	۶/۱۱	۰/۴۰	۰/۲۳	۱/۴۳	اجرائی
<۰/۰۰۱	۷/۲۰	۰/۴۵	۰/۱۵	۱/۱۱	قضایی
<۰/۰۰۱	-۱/۹۲	-۰/۱۲	۰/۲۴	-۰/۴۶	جزئی‌نگر
<۰/۰۰۱	۳/۸۱	۰/۱۶	۰/۱۰	۰/۴۰	درونی
<۰/۰۰۱	-۳/۷۳	-۰/۱۸	۰/۱۱	-۰/۴۲	قانون‌گذاری
<۰/۰۰۱	۳/۵۴	۰/۲۰	۰/۲۳	۰/۸۱	تک‌سالاری
<۰/۰۰۱	-۳/۳۰	-۰/۱۶	۰/۱۹	-۰/۶۳	مرتبه‌سالاری
<۰/۰۰۱	-۷/۳۱	-۰/۴۳	۰/۲۱	-۱/۰۸	اعتماد به حل مسائل
<۰/۰۰۱	۶/۲۸	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۸۳	سبک‌گرایی-اجتناب
<۰/۰۰۱	-۷/۲۹	-۰/۳۸	۰/۴۷	-۲/۳۱	کنترل شخصی

به ترتیب به اندازه ۰/۴۳، ۰/۱۴ و ۰/۳۸ - واحد تغییر در هموابستگی وجود خواهد داشت؛ یعنی به‌ازای اعداد مثبت، هموابستگی افزایش و به‌ازای اعداد منفی به‌همان میزان هموابستگی کاهش می‌یابد.

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه سبک‌های تفکر و سبک‌های حل مسئله با هموابستگی همسران بیماران مبتلا به سوء مصرف مواد بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد، بین سبک‌های تفکر و حل مسئله با هموابستگی در همسران مردان دارای سوء مصرف مواد رابطه وجود داشت و توانستند هموابستگی را کاهش دهند. همسو با این نتایج، علی‌پور و همکاران در مطالعه خود دریافتند، سبک‌های تفکر بر بهزیستی روانی بیماران دارای سوء مصرف مواد تأثیر مثبت دارد و رفتارهای اعتیادآمیز را کم می‌کند (۷)؛ شریفی و جوانمرد در مطالعه خود نشان دادند، آموزش سبک‌های حل مسئله می‌تواند علائم افسردگی و شیوه‌های غیرسازنده و منفی حل مسئله را در افراد معتاد کاهش دهد و باعث افزایش سلامت روان آن‌ها شود (۱۰)؛ متین‌نژاد و همکاران دریافتند، شیوه‌های حل مسئله و سبک‌های تفکر در افراد مصرف‌کننده و عادی باهم متفاوت است و افراد وابسته به سوء مصرف مواد کمتر شیوه‌های حل مسئله خلّاقیت را به‌کار می‌برند؛ همچنین افراد وابسته به مواد از سبک‌های تفکر، قانون‌گذاری، قضایی، گروه سالاری، جزئی، درونی و آزادمنشی، کمتر استفاده می‌کنند (۱۲). وال و همکاران مشخص کردند، تقویت سبک‌های تفکر به‌عنوان مکانیزمی

جدول ۳ میزان تأثیر هریک از مؤلفه‌های متغیرهای سبک‌های تفکر و سبک‌های حل مسئله، وارد شده به معادله رگرسیونی را بر متغیر ملاک (هموابستگی) نشان می‌دهد. مقدار B و β به ترتیب نشان‌دهنده ضریب استاندارد نشده و ضریب استاندارد شده رگرسیون بود که میزان تأثیر متغیرهای پیش‌بین سبک‌های تفکر و حل مسئله را در معادله رگرسیونی بیان کردند. در این جدول مشاهده می‌شود که مؤلفه‌های آزادمنشی، محافظه‌کاری، هرج و مرج سالاری، گروه سالاری، اجرائی، قضایی، جزئی‌نگر، درونی، قانون‌گذاری، تک سالاری و مرتبه سالاری در معادله رگرسیونی بر متغیر هموابستگی تأثیر معناداری داشتند ($p < ۰/۰۰۱$). برای مؤلفه کلی‌نگر نیز می‌توان تقریباً تأثیر معناداری را مشاهده کرد ($p = ۰/۰۵$). مقادیر β مثبت نشان می‌دهد، اثر متغیرهای پیش‌بین (سبک‌های تفکر و حل مسئله) بر متغیر ملاک (هموابستگی) مثبت بود. مقادیر β منفی نیز تأثیر منفی متغیرهای سبک‌های تفکر و حل مسئله را بر هموابستگی بیان کرد. بر این اساس با توجه به جدول در صورت ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یا کاهش یک واحد در هریک از دوازده مؤلفه آزادمنشی، محافظه‌کاری، هرج و مرج سالاری، گروه سالاری، کلی‌نگر، اجرائی، قضایی، جزئی‌نگر، درونی، قانون‌گذاری، تک سالاری و مرتبه سالاری به ترتیب به اندازه ۰/۶۲، ۰/۴۷، ۰/۳۰، ۰/۳۶، ۰/۴۰، ۰/۴۵، ۰/۱۲، ۰/۱۶، ۰/۱۸، ۰/۲۰ و ۰/۱۶ - واحد تغییر در هموابستگی وجود خواهد داشت؛ یعنی به‌ازای اعداد مثبت، هموابستگی افزایش و به‌ازای اعداد منفی به‌همان میزان هموابستگی کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش یا کاهش یک واحد در هریک از سه مؤلفه اعتماد به حل مسائل، سبک‌گرایی-اجتناب و کنترل شخصی

مقابله‌ای قوی در برابر رفتارهای وسواسی و اعتیادآمیز عمل می‌کند و شخص بهبود می‌یابد (۱۴).

در تبیین یافته‌های مذکور پژوهش حاضر می‌توان گفت، هم‌وابستگی با انتظارات سنتی از نقش‌های مراقبتی و پرورشی در زنان که مستلزم فداکاری، ایثار، مسئولیت‌پذیری و مصالحه هستند، ارتباط دارد (۲۴). این‌گونه زنان دارای عاطفه منفی و مشکلات روحی و روانی هستند و عزت‌نفس ضعیف‌تری درمقایسه با دیگران دارند. آن‌ها احساسات و افکار خود را پنهان می‌کنند و دارای مشکلات روحی و روانی هستند (۶)؛ در نتیجه آسیب‌پذیری بیشتری درقبال اختلالات هیجانی دارند (۲۴). همین امر ممکن است علت عمده شکل‌گیری و تداوم رفتارهای اعتیادآمیز در آن‌ها باشد (۲۵). برای درمان این افراد باید در شناخت‌های آنان اصلاح صورت گیرد تا از بروز احساسات و رفتارهای آشفته جلوگیری شود (۱۵). درواقع باتوجه به ارتباط دوطرفه شناخت و احساس و تأثیر این دو بر یکدیگر، سبک‌های تفکر به‌منزله یکی از مؤلفه‌های شناخت می‌تواند بر حوزه‌های کمی و کیفی احساسات تأثیر بگذارد و به‌عنوان تعیین‌کننده روش پردازش عاطفی، متجربه مدیریت احساسات در افراد دارای هم‌وابستگی شود؛ چراکه این افراد در مدیریت احساسات خود ناتوان هستند و دائماً در معرض تقابل دو عنصر شناخت و احساس در رابطه با خود و دنیای اطراف قرار دارند و همواره با آن می‌جنگند (۷). به‌عبارتی سبک‌های تفکر موجب می‌شود فرد قدرت تعیین سلسله‌مراتبی اهداف خود را داشته باشد و آن‌ها را دنبال کند و در راه رسیدن به اهداف تعیین‌شده، فراتر از قوانین و روش‌های موجود حرکت کند و موقعیت‌های مهم و پیچیده را ترجیح دهد؛ زیرا دیگر مانند گذشته برای اهداف تعیین‌شده خود، قوانین شخصی نمی‌گذارد و به قواعد مشخص و ثابتی پایبند است (۱۲). در این بین سبک‌های حل مسئله مثبت و سازگار نیز باعث تقویت انرژی ذهنی و رویکردی هدف‌مدار به‌منظور اتمام امور روزمره می‌شود و این توانایی را در شخص به‌وجود می‌آورد که بتواند مسائل و مشکلات جسمی و عاطفی خود را شناسایی کند و به تولید راه‌حل‌های جایگزین بپردازد؛ همین‌طور ارزیابی کند که آیا راه‌حل انتخاب‌شده در رفع مشکل مؤثر بوده است یا خیر؛ این توانایی در مدیریت مشکلات مرتبط با سلامت جسمی و روانی مانند استرس، اضطراب و افسردگی بسیار مؤثر است (۱۶)؛ همچنین به فرد امکان می‌دهد تا از ویژگی‌ها و توانمندی‌های درونی خود (۲۵) مانند خودکارآمدی و مهارت تصمیم‌گیری بهتر (۲۶) استفاده کند و باوجود شرایط نامطلوب و منفی بتواند رشد انطباقی خود را ادامه دهد (۲۵) و دستورالعمل‌های امتناعی بهتری برای رویارویی با مشکلات داشته باشد (۲۵). سبک‌های حل مسئله سازگار، درنهایت موجب افزایش سلامت روان و کیفیت زندگی فرد می‌شود (۲۵) و احتمال خطر خودکشی را در این افراد کاهش می‌دهد (۱۶).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به امکان پاسخ‌گویی مغرضانه افراد به‌دلیل علایق شخصی، تحمل‌نداشتن و عجله در افراد نمونه،

برای مطالعه و پاسخ‌گویی به سؤالات پرسش‌نامه‌ها اشاره کرد. همچنین پژوهش حاضر بر همسران افراد دارای سوءمصرف مواد در شهر تهران انجام شد که می‌باید در تعمیم نتایج به افراد خارج از محدوده جامعه پژوهش، جانب احتیاط رعایت شود. حال باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌شود، گروه‌ها و انجمن‌هایی برای اجتماع همسران مردان دارای سوءمصرف مواد با حضور درمانگران اعتیاد و روان‌شناسان تشکیل شود تا در این جلسات ضمن در اختیار قراردادن تجربیات همدیگر از برنامه‌ها و آموزش‌های درمانگران و روان‌شناسان استفاده کنند. همچنین بتوانند در ابتدا آشنفگی زندگی خود را تشخیص دهند و تلاش کنند آنچه کنترل‌نشده است، تحت کنترل درآورند. به‌علاوه خود را از تصور نادرستی که درباره میزان توانایی خویش در اداره چنین زندگی آشفته‌ای دارند، رها سازند. سپس تلاش کنند تا نیازهای فرد معتاد را بهتر درک کنند و با روش‌های آموزش‌دیده سبب تغییرات ماهوی و درونی در فرد دارای سوءمصرف مواد شوند.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، زنان دارای همسران معتاد، با به‌دست‌آوردن شناخت درباره باورهای غیرواقع‌بینانه با کسب مهارت‌های حل مسئله و سبک‌های تفکر می‌توانند در بیان پاسخ‌های همدلانه به‌طور مطلوب عمل کنند و در ابراز احساسات و درگیرشدن در مشکلات اعضای خانواده به‌نحو مؤثرتری مداخله کنند. همچنین مهارت‌های مذکور، راهبردهای مهمی است که فرد را قادر می‌سازد تا موقعیت‌های مشکل‌آفرین زندگی روزمره و تأثیر هیجانی منفی آن‌ها را به‌خوبی مهار کند و از این طریق، تنیدگی روان‌شناختی را در خود کاهش دهد؛ ازاین‌رو استفاده از این دسته مهارت‌های زندگی به زنان دارای هم‌وابستگی توصیه می‌شود.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی اعضای شرکت‌کننده در پژوهش و همچنین کارکنان مستقر در مراکز ترک اعتیاد شهر تهران برای همکاری در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات، دبی با کد شماره ۲۹۹۲۰۷۰۵۹۵۲۰۱۱ است. ملاحظات اخلاقی ازجمله رضایت آگاهانه، حفظ گمنامی، محرمانه‌بودن اطلاعات شرکت‌کنندگان و داشتن صداقت در هنگام تحلیل داده‌ها و تحریف‌نکردن آن‌ها رعایت شد.

رضایت برای انتشار

این امر غیر قابل اجرا است.

References

1. Degenhardt L, Hall W. Extent of illicit drug use and dependence, and their contribution to the global burden of disease. *Lancet*. 2012;379(9810):55–70. [https://doi.org/10.1016/s0140-6736\(11\)61138-0](https://doi.org/10.1016/s0140-6736(11)61138-0)
2. Muyanja Ssenyonga S. Domestic violence, codependency and drug abuse among adolescents [Ph.D Thesis]. [Kampala, Uganda]: Makerere University; 2020.
3. Sarkar S, Mattoo SK, Basu D, Gupta J. Codependence in spouses of alcohol and opioid dependent men. *International Journal of Culture and Mental Health*. 2015;8(1):13–21. <https://doi.org/10.1080/17542863.2013.868502>
4. Nordgren J, Richert T, Svensson B, Johnson B. Say no and close the door? codependency troubles among parents of adult children with drug problems in Sweden. *Journal of Family Issues*. 2020;41(5):567–88. <https://doi.org/10.1177/0192513X19879200>
5. Rahgozar F, Akrami N, Mehrabi H. Comparison of expressed emotion and coping styles with stress in 3 groups of patient with obsessive compulsive disorder and drug abuse disorder and relative and control group. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*. 2016;5(2):87–100. [Persian] https://cbs.ui.ac.ir/article_20745_6aa06de8f7332e0075c3a11f2eacf379.pdf
6. Atintaş MC, Tutarel-Kışlak S. Comparison of the psychological symptoms and variables related to marriage in the wives of alcoholics and non-alcoholics and factors predicting marital adjustment. *Turkish Journal on Addictions*. 2019;6(3):745–75.
7. Alipour Z, Ahadi H, Hatami HR, Malihi-Alzakerini S. Structural equations of emotional self-regulation, behavioral activation/inhibition systems by mediating thinking styles in addicted patients' psychological well-being. *Scientific Quarterly Research on Addiction*. 2018;12(47):245–68. [Persian] <http://etiadpajohi.ir/article-1-1820-en.pdf>
8. Pradika ID, Amin SM, Khabibah S. Relational thinking in problem solving mathematics based on adversity quotient and visual learning style. *International Journal of Trends in Mathematics Education Research*. 2019;2(4):161–4.
9. Zinali S, Khosrojauid M. Emotional intelligence and problem solving styles in drug addicts. *Developmental Psychology*. 2010;6(24):361–9. [Persian] http://jip.azad.ac.ir/article_512313_e99b92c528c9ee90dadad2d89cdefaf5.pdf
10. Sharifi M, Javanmard GH. A comparative study of problem solving styles and mental health in male substance abusers and normal men. *Psychology and Behavioral Sciences*. 2017;6(3):36. <https://doi.org/10.11648/j.pbs.20170603.11>
11. da Silva MP, Netto de Oliveira AM, da Silva PA, Algeri S, Flores Soares MC. Family orientation group as a strategy for care in chemical codependency. *Invest Educ Enferm*. 2019;37(3):e08. <https://doi.org/10.17533/udea.iee.v37n3e08>
12. Matinnejad SA, Mosavi SAM, Shams Esfandabad H. A Comparative study of problem solving styles and thinking styles among substance and non- substance abusers. *Scientific Quarterly Research on Addiction*. 2009;3(11):11–24. [Persian] <http://etiadpajohi.ir/article-1-417-en.pdf>
13. Best D, Day E, Campbell A, Flynn PM, Simpson DD. Relationship between drug treatment engagement and criminal thinking style among drug-using offenders. *Eur Addict Res*. 2009;15(2):71–7. <https://doi.org/10.1159/000189785>
14. Wahl K, Ertle A, Bohne A, Zurowski B, Kordon A. Relations between a ruminative thinking style and obsessive-compulsive symptoms in non-clinical samples. *Anxiety Stress Coping*. 2011;24(2):217–25. <https://doi.org/10.1080/10615806.2010.482985>
15. Mehran Q, Kalantar Hormozi A, Farahbakhsh K. Comparing cognitive theory-based and solution-focused training methods on reducing the codependency of addicts' wives. *Journal of Applied Psychological Research*. 2016;6(4):241–213. https://japr.ut.ac.ir/article_63627_e200c9579e3a489c483fa2d963135d46.pdf
16. Walker KL, Kaniuka A, Sirois FM, Chang EC, Hirsch JK. Improving health-related quality of life and reducing suicide in primary care: can social problem-solving abilities help? *Int J Ment Health Addiction*. 2019;17(2):295–309. <https://doi.org/10.1007/s11469-018-0019-1>
17. Achtert E, Bohm C, Kriegel H-P, Kroger P, Zimek A. On exploring complex relationships of correlation clusters. In: 19th International Conference on Scientific and Statistical Database Management. Bamff, AB, Canada: IEEE; 2007. <https://doi.org/10.1109/SSDBM.2007.21>
18. Sternberg RJ, Wagner RK. Thinking Styles Inventory. Unpublished manual, Yale University; 1992.
19. Heppner PP, Petersen CH. The development and implications of a Personal Problem-Solving Inventory. *Journal of Counseling Psychology*. 1982;29(1):66–75. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.29.1.66>
20. Ghaltash A, Salehi M, Khodadadi M. Barrasi rabete maharat hal masala ba mizan sazegari danesh amoozan paye aval omoumi motevasete mantaghe be shagerd dar sal tahsili 1386–87 [The relationship between problem solving skills and the level of adaptation of first grade high school students in bashashard

- area in the school in year 2008–2009]. In: National Conference on Psychology and its Application in Society. Marvdasht, Iran: Islamic Azad University; 2008. [Persian]
21. Spann L, Fischer JL. Identifying codependency. *The Counselor*. 1990;8(27):27-31.
 22. Fischer JL, Spann L. Measuring codependency. *Alcoholism Treatment Quarterly*. 1991;8(1):87–100. https://doi.org/10.1300/J020V08N01_06
 23. Khosravi N, Panaghi L, Ahmad Abadi Z, Sadeghi M. Relationship between inefficiency of origin family and the interdependence of women: interfering role of university education. *Journal of Applied Psychology*. 2013;7(1):85–100. [Persian] https://apsy.sbu.ac.ir/article_95832_7b24db9d79802f309bcb70424f7a7ce8.pdf
 24. Pazani F, Borjali PD, Ahadi PD, Kraskian Mujembari PD. A structural modeling analysis of the relationships among psychological factors influencing adolescents' vulnerability to substance use with mediating role of codependency. *Quarterly Journal of Family and Research*. 2018;14(4):69–90. [Persian] <http://qjfr.ir/article-1-452-en.pdf>
 25. Jessup CM. Applying psychological type and “gifts differing” to organizational change. *Journal of Organizational Change Management*. 2002;15(5):502–11. <https://doi.org/10.1108/09534810210440405>
 26. Moriarty H, Stubbe M, Bradford S, Tapper S, Lim BT. Exploring resilience in families living with addiction. *J Prim Health Care*. 2011;3(3):210–7.